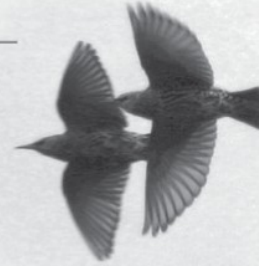


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



سرشناسه : حاج علی اکبری، محمدجواد، ۱۳۴۵ -  
عنوان و نام بدیادآور : همسفر تا بهشت: گزیده‌ای از رهنمودهای رهبر معظم انقلاب به زوج‌های جوان/  
نویسنده محمدجواد حاج علی اکبری.

مشخصات نشر : مشهد: آستان قدس رضوی، معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی، ۱۳۹۱.

فروست : رهنما: ۶۸.

شابک : 978-600-6543-45-1

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : کتابنامه .

موضوع : خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸ - -- نظریه درباره زناشویی

موضوع : خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸ - -- پیامها و سخنرانیها

شناسه افزوده : آستان قدس رضوی .معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی

رده بندی کنگره : DSR ۱۶۹۳ ۱۳۹۱ ۲۹۲حز/

رده بندی دیویی : ۰۸۴۴/۹۵۵

شماره کتابشناسی ملی : ۲۸۲۷۳۲۹



## ۶۸ —→ همسفر تا بهشت گزیده‌ای از رهنمودهای رهبر معظم انقلاب به زوج‌های جوان

نویسنده: محمدجواد حاج علی اکبری

آستان قدس رضوی

چاپ هشتم: پاییز ۱۳۹۱ (ویرایش جدید)

معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی

نشانی: حرم مطهر امام‌رضا(ع)، اداره پاسخ‌گویی به سؤالات دینی

تلفن: ۰۵۱۱-۳۲۰۲۰ دورنگار: ۰۵۱۱-۲۲۴۰۶۰۲ [Rahnama@Aqrazavi.org](mailto:Rahnama@Aqrazavi.org)

به کوشش محمدحسین پورامینی

ویراستار: محمد مهدی باقری

طراح جلد: علی بیات

طراح لوگوی رهنما: مسعود نجابتی





پرسیدن برای یافتن راه، خود، ارزش است...  
و هر فرهنگی که به پرسشگری بها دهد  
و زیباترین، دقیق‌ترین و ساده‌ترین پاسخ‌ها را پیش‌رو بگذارد،  
گسترش و دوام خود را تضمین کرده است.  
مهم، انتخاب بهترین راه است...  
و **ره‌نما** گامی است در این مسیر.  
همگام ما باشید و با طرح دیدگاه‌های رنگارنگتان، یاری‌مان کنید.

## بسم رب العرش العظيم

همسری آجوان عزیزه که پرند و داجسها و سر و شتابت  
همیانه به همی آفرزند عزیزم تبریک میدیم . ترهیه مکنیم  
به همسری خودمون بوندید . به آمان و فادار باشید و خالین  
در روزت بیدگی شریک بوندید . از گره افتادن در روزت  
زندگی شریک بر عهد باشید و گره هر چه که می آید  
ناریده بگردید . خداوند بر شما خشنود و شاکه می د  
عمه ، مدعی عهد فرمایید و کانون زندگیتان را با فرزندان  
تندرست و صالح ، گرمی و درستی میخشد . ان شاء الله

سید علی حسینی



## همسفر تا بهشت

گزیده ای از رهنمودهای رهبر معظم انقلاب به زوج های جوان

برای پاسخ‌دهی به پرسش‌های مهم زیر، فرازهایی را از کتاب زندگی‌ساز مطلع عشق انتخاب کردیم. این کتاب حاوی پندها و تجربه‌های ارزشمندی است که رهبر فرزانه انقلاب پس از خواندن خطبه‌های عقد برای زوج‌های جوان بیان کردند:

۱. از لابه‌لای رفتارهای روزانه، چگونه می‌توان در صراط مستقیم قدم زد و رشد کرد و

سعادت‌مند شد؟

۲. فراتر از واقعیت‌های روزمره زندگی، چه احساس‌ها و کشش‌هایی بین دو همسر جاری است؟

۳. رهنمودهای اصلی برای تقسیم کار بهینه بین زن و شوهر چیست؟



؟ معنای «بروید با هم بسازید» چیست؟

؟ چه میزان مهریه مناسب و شایسته شخصیت همسر است؟

؟ در مشکلات و تنگناهای زندگی زناشویی چه تدبیرهایی به کار بندیم؟

پنجرهٔ اول  
همسفر تا بهشت





## اشاره

چند روزی از آغاز زندگی مشترک علی و فاطمه علیهما السلام می‌گذشت، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نظر علی علیه السلام را درباره همسرش جویا شدند: «علی جان، فاطمه را چگونه همسری یافتی؟» علی علیه السلام هم با کلامی که حکایت از اوج شکر و سپاس او داشت، نظر خود را درباره عشق جاودانی‌اش این‌گونه خلاصه کرد: ﴿نعم العون علی طاعة الله﴾ (= سرورم، او بهترین یار در اطاعت پروردگار است).

آنچه زندگی و پیوند دنیایی شما را به زندگی همیشگی در پرتو خورشید مهر الهی متصل می‌کند، تنها و تنها «تقوی» و «طاعت حق» است. در تقویت ایمان هم بکوشید و از دست یکدیگر جام ذکر بنوشید و در برابر حملات شیطان سپر هم باشید و در اجرای وظایف دینی، مشوق و یار یکدیگر.

می‌پرسید: چگونه؟ می‌گوییم: از کسی بپرسید که پیر راه است و واقف سرّ عشق. از «او» که چهره آسمانی‌اش یاد حق را میهمان دل‌هایمان می‌کند.



## مفهوم خوشبختی

خوشبختی عبارت است از آرامش و احساس سعادت و امنیت. جشن و اسراف و زیاده‌روی، کسی را خوشبخت نمی‌کند. مهریه و جهیزیه هم کسی را خوشبخت نمی‌کند. پایبندی به روش شرع است که انسان را خوشبخت و سعادتمند می‌کند.<sup>۱</sup>

## همدیگر را بهشتی کنید!

ازدواج و اختیار همسر، گاهی در سرنوشت انسان مؤثر است. خیلی از زن‌ها هستند که شوهرانشان را بهشتی می‌کنند. خیلی از مردها هم هستند که زن‌هایشان را بهشتی می‌کنند.<sup>۲</sup>

## تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر

همدلی و همکاری کردن، معنایش این است که همدیگر را در راه خدا حفظ کنید. تواصی به صبر و تواصی به حق کنید. اگر خانم خانه می‌بیند شوهرش دارد دچار یک

انحرافی می‌شود، فرضاً در یک معامله نامشروعی دارد قرار می‌گیرد، توی یک جریان غلطی دارد می‌افتد، توی پول درآوردن‌های نادرست دارد می‌افتد، توی رفیق بازی‌های ناسالم دارد می‌افتد، اول کسی که باید او را حفظ کند، اوست. اگر متقابلاً مرد این احساس‌ها را به‌نوع دیگری درباره زنش کرد، اولین کسی که باید زن را حفظ کند شوهر اوست. البته حفظ کردن هم، با محبت کردن و با زبان خوش و با منطق صحیح و با برخورد مدبرانه و حکیمانه حاصل می‌شود، نه با بداخلاقی و قهر و این چیزها. یعنی هر دو مراقب باشند تا آن دیگری را در راه خدا حفظ کنند.<sup>۳</sup>

زن و شوهر باید همدیگر را در راه صحیح و صراط مستقیم الهی حمایت کنند. اگر هر کدام از این‌ها مشاهده می‌کنند یک عمل خیر و یک کار شایسته‌ای از همسرشان سر می‌زند، آن‌را تشویق کنند و اگر برعکس، احساس کردند که خطایی و یک انحرافی خدای نخواستہ وجود دارد، سعی در اصلاح آن بکنند. یکدیگر را در راه خدا کمک و تشویق کنند.<sup>۴</sup>



زن و شوهر باید سعی کنند که یکدیگر را اصلاح کنند؛ نه مثل یک آقابالاسر که مرتب به دیگری نیش بزند؛ نه مثل یک پرستار و یک مادر و پدر دلسوز.<sup>۵</sup>

پنجرهٔ دوم  
فراز از واقعیت





## اشاره

تشکیل خانواده در نگاه خداوند، یعنی خیمه‌زدن در کنار چشمهٔ مودت. مودت یعنی محبت عمیق، باطراوت، آشکار و پر سروصدا.

﴿وجعل بینکم مودة و رحمة﴾ سرمنشأ این چشمهٔ جوشان، اقیانوس بی‌ساحل مهر الهی است. خدای رحمت، رحیم، رئوف و لطیف، به ارادهٔ حکیمانهٔ خود، جذبه‌ای از این شعلهٔ آسمانی را میان زوج جوان قرار می‌دهد تا از آینه‌ای نزدیک و به‌مدد اندیشه‌ای بادوام، هر یک به تماشای نشانه‌ای برجسته از آیات جمال و لطف الهی بنشینند و از دست یار خویش جام مهر الهی بگیرند و کامیاب شوند. ﴿ان فی ذلک لایة لقوم یتفکرون﴾

رهنمود رهبر فرزانهٔ انقلاب، در این باره، ره‌توشهٔ ارزشمندی برای زندگی ماست:



## بالتر از واقعیات زندگی...

بالتر از واقعیات زندگی، آرزوها و عشق‌ها و احساس‌های انسانی در زندگی نقش دارند. نقش آن‌ها هم، نقش تبعی و درجه دوم نیست؛ بلکه نقش اصلی است و می‌تواند ملاط این بنای فخیم و بسیار مستحکم قرار بگیرد. این‌را چگونه باید تنظیم کرد؟ زن و مرد باید هرکدام جایگاه خودشان را بشناسند. مرد نسبت به زن و زن نسبت به مرد، نگاهی محبت‌آمیز و همراه با یک عشق پاک داشته باشند و این عشق را حفظ کنند؛ چراکه زائل‌شدنی است، مثل همه چیزهای دیگر. باید نگهش دارند و حفظ کنند که زائل نشود...<sup>۶</sup>

## اصل قضیه، عشق است

اگر در زندگی محبت وجود داشت، سختی‌های بیرون خانه آسان خواهد شد. برای زن



هم سختی‌های داخل خانه آسان خواهد شد.<sup>۷</sup>

در ازدواج، اصل قضیه، محبت است. دخترها و پسرها این را بدانند. این محبتی را که خدا در دل شما قرارداد، حفظ کنید.<sup>۸</sup>

این رابطه انسانی، براساس محبت و رابطه عاطفی استوار است. یعنی زن و شوهر باید به هم محبت داشته باشند و همین محبت، همزیستی آن‌ها را آسان خواهد کرد. عامل محبت هم، به پول و تشریفات و این چیزها بستگی ندارد.<sup>۹</sup>

### محبت، دستوری و سفارشی نیست

محبت دستوری و فرمایشی و سفارشی نیست: دست خود شماست. شما می‌توانید محبت خودتان را روزبه‌روز در دل همسرتان زیاد کنید. چطوری؟ با اخلاق خوب، با رفتار مناسب، با محبت ورزیدن به او و با وفاداری.<sup>۱۰</sup>



اگر زن بخواهد شوهرش به او محبت بورزد، باید حرکت و تلاش کند. اگر مرد بخواهد زنش او را دوست داشته باشد، باید یک تلاشی انجام بدهد. محبت، محتاج تلاش و ابتکار است.<sup>۱۱</sup>

اگر بخواهید این محبت باقی بماند، به جای اینکه از طرف مقابلتان توقع کنید که او مرتب به شما محبت کند، از دل خودتان بخواهید که تراوش محبت او روزبه‌روز بیشتر شود. محبت به‌طور طبیعی، محبت می‌آفریند.<sup>۱۲</sup>

### گام اول: احترام متقابل

زن و شوهر باید به یکدیگر احترام بگذارند، نه احترام ظاهری و تشریفاتی؛ بلکه احترامی واقعی.<sup>۱۳</sup> احترام به این معنا نیست که مثلاً همدیگر را با القاب و آداب صدا کنند. احترام را در قلب خود نگهدارید، برای هم حرمت قائل باشید، این در اداره زندگی مهم است. بین زن



و شوهر، اهانت و تحقیر و تذلیل نباشد.<sup>۱۴</sup>

### گام دوم: اعتمادسازی

نگه داشتن محبت به این است که زن و شوهر اعتماد یکدیگر را جلب کنند. اطمینان که پیدا شد، محبت پایدار می شود و انس به وجود می آید.<sup>۱۵</sup>

اساس محبت، اطمینان است. اگر اعتماد بین زن و شوهر از بین رفت، محبت، آرام آرام از بین خواهد رفت. باید به هم اعتماد داشته باشید.<sup>۱۶</sup> وفاداری خیلی مهم است.

اگر زن احساس کند شوهرش به او وفادار است و شوهر احساس کند زنش به او وفادار است، این خود به وجود آورنده محبت است. محبت که به وجود آمد، آن وقت خانواده پایدار خواهد شد. یک بنای مستحکم و پایداری که سال های متمادی ادامه



پیدامی کند.<sup>۱۷</sup>

## اعتماد، قراردادی نیست

اعتماد، یک امر قراردادی نیست که بیا من به تو اعتماد کنم، تو به من اعتماد کن. این طوری نیست. اعتماد را باید جلب کرد. با خوبی عمل، با رعایت اخلاق، با رعایت آداب، با رعایت حدود و ثغور و موازین شرعی و...<sup>۱۸</sup>

## ذوب کدورت‌ها در لابه‌لای محبت‌ها

زن و شوهر باید به هم محبت داشته باشند، همین! کارهایی که محبت را کم می‌کند، انجام ندهید. مواظب باشید، چیزهایی که شما را از هم گله‌مند و بیزار می‌کند، از شما سرزنزند. درست نگاه کنید ببینید شوهر شما یا زن شما روی چه چیزهایی خیلی حساس



است. از آنها اجتناب کنید.

بعضی‌ها بی‌اعتنایی می‌کنند؛ مثلاً فرض بفرمایید که زن از یک عادت که مرد دارد، بدش می‌آید، این مرد هم بی‌اعتناست و آن عادت را باز تکرار می‌کند. این بد است. همین‌طور زن‌ها.<sup>۱۹</sup>

اگر یک وقتی خدای نکرده یک کدورتی پیش آمد، باید لابه‌لای محبت ذوبش کنید و از بین ببرید. نباید یک حرف کوچکی را بزرگ کنند و مرتب کش بدهند، این‌ها نباید باشد...<sup>۲۰</sup>

### بزرگ‌ترها هم کمک کنند

بزرگ‌ترها اگر می‌خواهند این جوان‌ها راحت زندگی کنند، باید آن‌ها را نصیحت کنند و هدایت نمایند؛ اما دخالت نباید بکنند. بگذارند زندگی‌شان را بکنند.<sup>۲۱</sup>

مبادا، خدای نکرده بزرگ‌ترها بیایند پیش یکی از زوجین، از آن دیگری بدگویی کنند،



یک چیزی بگویند دلخوری درست کنند؛ بلکه باید بزرگ‌ترها سعی کنند، بیشتر این‌ها را به هم نزدیک نمایند و دل‌هایشان را به هم متصل‌تر کنند.<sup>۲۲</sup>

پنجرهٔ سوم  
هنر تقسیم کار







## اشاره

دو جوان با هدف مشترک، تکامل مادی و معنوی و با سرمایه عشق خدادادی، برای آغاز زندگی جدید خویش مهیا می‌شوند. خداوند حکیم، زن و شوهر را مکمل یکدیگر قرار داده است و متناسب با نیازهای گوناگون، میدان زندگی متفاوت آفریده است. در شکل‌گیری یک خانواده بالنده و موفق و یک زندگی شیرین، هنر تقسیم کار، از اهمیت بالایی برخوردار است. هریک باری را متناسب با توانایی خویش بردارند و ضمن اهمیت‌دادن به نقش خویش به اهمیت و حساسیت نقش طرف مقابل هم‌ایمان داشته باشند و کاری را که به‌عهده می‌گیرند، با تمام توان خود و با سلیقه فراوان انجام دهند و هم‌زمان با همتای خود در تحقق نقش خاص او همفکری و همکاری نمایند.

در نحوه تقسیم کار و نقش مخصوص بانوی خانه در اداره امور داخلی و درجه اهمیت آن و نیز فعالیت و کار بیرون منزل دیدگاه‌های متفاوت و سؤالات فراوانی وجود دارد.

«مرشد حکیم» ما در این باره نیز نکته‌های نغز و راهگشا دارند:



## تقسیم کار

وقتی دو نفر در کنار هم قرار می‌گیرند و همسر می‌شوند، بعضی از وظایف وجود دارد که بین این‌ها مشترک است؛ مانند کشیدن بارهای خانواده، همکاری‌های گوناگونی که در راه‌بردن خانواده مؤثر است، این‌ها باید با هم همکاری کنند. این کارها بین زن و مرد مشترک است. حداکثر، این است که تقسیم کار شود. گاهی تقسیم کار هم نمی‌کنند؛ اما بهترش این است که تقسیم کار هم بشود. بخشی از این کارها را زن انجام می‌دهد، بخشی از کارها را مرد انجام می‌دهد. مثل همه همکاری‌هایی که وجود دارد؛ مثل همه هم‌سنگری‌ها.<sup>۲۳</sup> در محیط خانواده، زن و شوهر با هم همکاری کنند. اگر شوهر یک مشکلی یا مضیقه‌ای دارد، زن با او بسازد، اگر زن داخل خانه یا در محیط کار یا هر جور که هست، دشواری دارد، شوهر باید به او کمک کند.<sup>۲۴</sup>



۲۷

همسفر تا بهشت

## به هم روحیه بدهید

همکاری و کمک، گاهی به این نیست که وارد حجم کار یکدیگر بشوند، نه. بلکه، یکدیگر را روحاً تدارک کنند. مردها معمولاً با مسائل مشکل‌تری در جامعه برخورد دارند، زن‌ها می‌توانند به آن‌ها روحیه بدهند. می‌توانند خستگی آن‌ها را از تنشان بیرون کنند، به آن‌ها تبسم کنند و به آن‌ها دلخوشی دهند. اگر چنانچه خانم‌ها هم کاری بیرون از خانه دارند، باز مرد به آن‌ها کمک کند و او را تقویت نماید.<sup>۲۵</sup>



## تشویق یکدیگر در میدان مسابقه خیرات

پسر اگر می‌بیند دختر در راه انجام تکالیف اسلامی خودش، یک قدم خیری می‌خواهد بردارد، وسایل را برایش فراهم کند و مانع تراشی نکند. بعضی دخترها هستند [که] می‌خواهند فرض کنید ادامه تحصیل بدهند، درس دین بخوانند، با قرآن آشنا بشوند، کارهای خیر کنند و در بعضی از امور خیریه شرکت داشته باشند. شوهرانشان گاهی نسبت به این‌ها بداخلاقی می‌کنند که ما حوصله این کارها را نداریم، ما زن گرفته‌ایم که زندگی کنیم. نمی‌گذارند این دختر به کار خیر برسد. به عکس، بعضی از مردها می‌خواهند صدقات جاری بدهند، می‌خواهند شرکت در مسائل گوناگون داشته باشند، دختر مانع می‌شود.<sup>۲۶</sup>

## شرط مهم فعالیت اجتماعی خانم‌ها

بعضی‌ها از ما می‌پرسند: شما موافقید زن‌ها بروند کار کنند؟ ما می‌گوییم: البته، ما با

بیکاری خانم‌ها مخالفیم؛ زن اصلاً باید کار کند. البته کار دو جور است: یکی کار داخل خانه و یکی کار بیرون خانه. هر دو کار است. اگر کسی استعداد دارد در کارهای مربوط به بیرون منزل، باید انجام بدهد. خیلی هم خوب است. منتها یک شرط دارد: باید جوری باشد که این اشتغال، حتی در داخل خانه، به پیوند زن و شوهر لطمه‌ای نزند. بعضی از خانم‌ها هستند که خودشان را از صبح تا شب می‌کشند. بعد که مرد به خانه می‌آید، حوصله‌ی یک لبخند زدن به او را هم ندارند. این هم بد است. کارِ خانه را باید کرد؛ اما نه آن قدری که این کارِ خانه به انهدام خانواده منتهی بشود.<sup>۲۷</sup>

زن اگر خواست برود کار کند، این اشکالی ندارد. اسلام هم مانع نیست؛ اما این وظیفه‌ی او نیست. بر او واجب و لازم نیست. چیزی که بر او واجب است، عبارت است از حفظ فضای حیاتی برای مجموع این خانواده.<sup>۲۸</sup>



## اهمیت فراوان مدیریت کدبانو

زن توی خانه که بیکار نیست. یک عده‌ای خیال می‌کنند، زن در خانه بیکار است. نخیر، زن توی خانه، بیشترین و سخت‌ترین و ظریف‌ترین کارها را انجام می‌دهد.<sup>۲۹</sup> برخی فکر می‌کنند اگر زنی مثلاً کارش عبارت شد از همان کارِ خانه، این اهانت به زن است. نه، هیچ اهانت نیست؛ بلکه مهم‌ترین کار برای زن این است که زندگی را سرپا نگه‌دارد.<sup>۳۰</sup>

## جمع بین کار و زندگی

جوانانی که مشغول کاری در راه خدا هستند، با گرفتن همسر، با ازدواج، نباید کارشان را متوقف کنند.<sup>۳۱</sup>

ما معمولاً به کسانی که برایشان ممکن است، سفارش می‌کنیم، حتی ظهرها را بروند با زن و بچه‌هاشان باشند. در محیط خانوادگی غذایشان را بخورند، یک ساعتی با هم باشند،

بعد، بیایند دنبال کارشان، باز حتماً در زمان مناسب، اول شب بروند بچه‌ها را ببینند، ملاقات خانوادگی حقیقی داشته باشند.<sup>۳۲</sup>

### به حضرت زهرا علیها السلام بنگرید

این وضع زندگی حضرت زهرا علیها السلام است، از لحاظ سادگی مراسم ازدواج و بعد هم زندگی آن بزرگوار، آن زندگی فقیرانه و زاهدانه، آن اتاق آن چنایی، آن فرشی که لابد همه شما شنیده‌اید. کار توی خانه، در مقابل تلاش‌های فراوان و صبر بر شوهری مثل حضرت امیر السَّلام علی که در تمام مدت زندگی‌شان، حضرت مشغول کار و فعالیت بودند؛ یعنی هر چه جنگ بود، علی بن ابی طالب السَّلام جلوتر از همه بود. هر چه کار مهم بود، اول از همه علی بن ابی طالب السَّلام جلودار بود. حدود ده سال هم با یکدیگر زندگی کردند. توجه می‌کنید؟ در ظرف این ده سال شما ببینید که این شوهر جوان چقدر توانسته به



زن و بچه‌اش، به معنای بشری و معمولی برسد؟ بر یک چنین زندگی صبر کردن، بر آن فقر و سختی صبر کردن، آن جهاد بزرگ را انجام دادن و آن چنان فرزندان تربیت کردن و آن فداکاری‌های عظیمی که حضرت زهرا علیها السلام انجام دادند و شما هم مقداری از آنها را شنیده‌اید همگی الگوست.

حالا، دختران ما باید فاطمه زهرا علیها السلام را الگو قرار دهند، پسرهای ما هم باید حضرت زهرا علیها السلام و امیرالمؤمنین علیه السلام را الگو قرار دهند.<sup>۳۳</sup>



پنجره چهارم  
سازش و سازگاری





## اشاره

در گرماگرم عشق نخستین، تفاوت‌ها خود را نشان نمی‌دهند. دختر و پسر جوان، مجذوب یار خویش اند و غرق دریای رؤیاهای شیرین که هریک در سیمای همسر عزیز خود، آرمان‌ها و آرزوهای دیرین خود را می‌بینند و در آینه‌ی محبوب، گویا به چهره‌ی خویش می‌نگرد؛ اما دیری نمی‌پاید که این وحدت رؤیایی و این همگونی عاشقانه، در مواجهه‌ی با واقعیات زندگی و شخصیت متفاوت همسر، رنگ می‌بازد. تفاوت سلیقه‌ها و دیدگاه‌ها در رویارویی با مسائل گوناگون زندگی هر روز بیش از گذشته خود را نشان می‌دهند.

جوانان عزیز ما با کوتاه آمدن از ایده‌آل‌ها و پذیرش شخصیت واقعی همسر، با همه‌ی تفاوت‌ها و تقویت درک متقابل، می‌توانند بنیان زندگی مشترک خود را به مدد الهی هر روز محکم‌تر کنند. رهنمود پیر فرزانه‌ی ما ره‌توشه‌ی دیگری برای راه پرفراز و نشیب زندگی است.



## با هم بسازید...

امام علیه السلام فرمودند: «بروید با هم بسازید».

من یک وقت خدمت امام رفتم. ایشان می‌خواستند خطبهٔ عقدی را بخوانند. تا من را دیدند گفتند: شما بیا طرف عقد بشو! ایشان برخلاف ما که طول و تفصیل می‌دهیم و حرف می‌زنیم، عقد را اول می‌خواندند، بعد دو سه جمله‌ای کوتاه صحبت می‌کردند. من دیدم ایشان پس از اینکه عقد را خواندند رویشان را به آن دختر و پسر کردند و گفتند: «بروید با هم بسازید».

من فکر کردم، دیدم که ما این همه حرف می‌زنیم؛ اما کلام امام علیه السلام در همین یک جملهٔ بروید و با هم بسازید خلاصه می‌شود.<sup>۳۴</sup>



## سازگاری یعنی چه؟

سعی شما این باشد که در تمام دوران زندگی، به خصوص سال‌های اول این چهار، پنج سال اول، با هم سازگاری داشته باشید. این‌طور نباشد که، یکی اندک ناسازگاری نشان داد، آن دیگری هم حتماً در مقابل او ناسازگاری نشان بدهد. نه! هر دو با هم سازگاری نشان بدهید و اگر دیدید همسرتان ناسازگاری کرد، شما سازگاری نشان دهید، اینجا از آن جاهایی است که سازش و کوتاه‌آمدن خوب است.<sup>۳۵</sup>

معنای سازگاری چیست؟ اینکه می‌گویند شما سازگار باشید، یعنی شما با هر وضعیتی که هست و پیش آمده، بسازید. معنای سازگاری این است.

یعنی چیزهایی در زندگی پیش می‌آید. خب، دو نفرند با هم تا حالا آشنایی نداشتند، زندگی نکردند، ممکن است فرهنگشان دو تا باشد. ممکن است عاداتشان دو تا باشد. اول، ممکن است یک ناسازگاری‌هایی ببینند. حالا، اول



از دواج که آدم هیچ متوجه نیست. بعد از یک خرده که گذشت، ممکن است یک ناسازگاری‌هایی حس کند، آیا باید اینجا از هم سرد شوند و بگویند: این مرد یا این زن دیگر به دردمن نمی‌خورد؟  
نه! شما باید خودتان را با این مسئله تطبیق دهید. اگر چنانچه قابل اصلاح است، اصلاحش کنید و اگر دیدید نه، کاری‌اش نمی‌شود کرد، خب با او بسازید.<sup>۳۶</sup>

### هیچ انسانی بی‌عیب نیست

اگر دیدید که همسرتان یک نقطه‌ی عیبی دارد [والبته] هیچ انسانی بی‌عیب نیست و [اگر] مجبورید او را تحمل کنید، تحمل کنید، که او هم، همزمان دارد یک عیبی را از شما تحمل می‌کند.



آدم عیب خودش را که نمی‌فهمد، عیب دیگری را می‌فهمد؛ پس بنا را بگذارید بر تحمل. اگر چنانچه قابل اصلاح است، اصلاحش کنید. اگر دیدید کاری نمی‌شود کرد، با او بسازید.<sup>۳۷</sup>

### سازگاری دو طرفه

در قدیم بیشتر می‌گفتند، دختر باید سازگار باشد. برای پسر کانه وظیفه سازگاری را قائل نبودند. نه! اسلام این را نمی‌گوید. اسلام می‌گوید که دختر و پسر هر دو باید سازگار باشند، هر دو باید بسازند.

باید بنا را براین بگذارند که زندگی خانوادگی را سالم و کامل و آرام و همراه با محبت و عشق متقابل اداره کنند و این را ادامه بدهند و حفظ کنند. اگر چنانچه ان‌شاءالله این فراهم شد که فراهم کردنش هم با تربیت‌های اسلامی مشکل نیست. این خانواده همان خانواده سالمی خواهد بود که اسلام



همسفر تا بهشت

معتقد به اوست.<sup>۳۸</sup>



پنجره پنجم  
زندگی شیرین





## اشاره

طراوت و شیرینی زندگی، محصول مهارت‌ها و رعایت‌های زن و شوهر است. جوانان عزیز ما در آغاز راه زندگی، باید خود را نیازمند تمرین فراوان برای دستیابی به توانایی‌های ذهنی و رفتاری لازم، در صحنه زندگی مشترک بدانند. این‌گونه است که زندگی آنان هر روز با صفاتر و شیرین‌تر خواهد شد. در این رهنمود، مقتدای مهربانمان راه‌های دستیابی به زندگی خواستنی را به عزیزانشان یادآوری می‌کنند.



## شکرِ عملی مهم است

شکر، فقط گفتن «الهی شکر» و سجده شکر کردن نیست. شکرِ نعمت این است که انسان نعمت را بشناسد و بداند که این نعمت را خدا به او داده است و استفاده از این نعمت و رفتار با آن نعمت را که خدا می‌پسندد، انجام دهد. این معنای شکر است. ازدواج هم یک نعمت خدادادی است. خدای متعال این همسر را خود برای شما فراهم کرده است؛ پس باید به شایستگی، شکر این نعمت را به جا آورید.<sup>۳۹</sup>

## اسرار زندگی را محکم نگه‌دارید

زن و شوهر باید رازِ هم را حفظ کنند. زن نباید راز شوهرش را پیش کسی بازگو کند. مرد هم مثلاً نرود پیش رفقاییش در باشگاه یا مثلاً فلان مهمانی و... راز همسرش را بازگو کند. حواستان جمع باشد، اسرار هم را محکم نگاه دارید تا زندگی ان شاء الله شیرین و مستحکم شود.<sup>۴۰</sup>



## ساده‌زیستی و میانه‌روی

زندگی را ساده بردارید. البته ما خیلی هم اهل زهد و تقوا نیستیم. خیال نکنید آن سادگی که ما می‌گوییم، آن سادگی زهد و عبّاد و این‌ها نیست. سادگی به نسبت این کارهایی است که مردم امروز می‌کنند؛ و الا نه، سادگی ما را اگر چنانچه آن مردان خدا بیایند نگاه کنند، شاید هزار تا ایراد هم به آنچه که ما سادگی می‌دانیم، بگیرند.<sup>۴۱</sup>

ساده‌زیستی کردن منافاتی با رفاه هم ندارد. آسایش هم که اصلاً در سایه ساده‌زیستی است.<sup>۴۲</sup>

## مسابقه بدون برنده

اسیر تحولات و تشریفات و چشم‌وهم‌چشمی‌ها نشوید. خودتان را در دام مسابقه مادی در امر زندگی نیندازید. هیچ‌کس در این مسابقه، خوشبخت و کامیاب نمی‌شود. این ظواهر



زرق و برق دار زندگی شخصی، این‌ها هیچ‌کدام انسان را نه خوشبخت می‌کند، نه دل‌شاد و راضی می‌کند.<sup>۴۳</sup>

اولِ زندگی را ساده بردارید، هرچه می‌توانید در این جهت سعی کنید؛ البته اعتقاد نداریم که افراد بایستی بر عیال خودشان، بر نزدیکان خودشان، سخت‌گیری‌های تنگ‌نظرانه بکنند. این عقیده را نداریم؛ اما عقیده داریم که همه از روی عقیده و ایمان و عشق و دل‌خودشان به یک‌حدی قانع باشند.<sup>۴۴</sup>

### قناعت برای همه مفید است

قناعت کنید. از قناعت خجالت نکشید. بعضی‌ها خیال می‌کنند که قناعت، مالِ آدم‌های تهی‌دست و فقیر است و اگر آدم داشت، دیگر لازم نیست قناعت کند. نه! قناعت یعنی در حد لازم، در حد کفایت، انسان توقف کند.<sup>۴۵</sup>



## حال پدر و مادر را رعایت کنید

متأسفانه این پرداختن به تشریفات ازدواج و مهریه‌های گران و جهیزیه‌های سنگین و مجالس آن‌چنانی، خیلی اخلاق‌ها را فاسد کرده است! شما دخترها و پسرها که عروس و داماد می‌شوید، پیش‌قدم شوید، بگویید ما این جوری نمی‌خواهیم، به این زیادی نمی‌خواهیم. وقتی جامعه مشکل دارد، وقتی در جامعه فقیر هست، باید انسان ملاحظه کند.<sup>۴۶</sup>

ما به دخترها و پسرها سفارش می‌کنیم، اصرار نکنید. زیاده نخواهید. پدر و مادرها را زیر فشار قرار ندهید تا در رودربایستی بمانند... این چیزها را بریزید دور. اصل، یک حادثه انسانی است. آن چیست؟ زناشویی، انسانی‌ترین کارهای دنیاست. این را مادی و پولی نکنید، آلوده‌اش نکنید.<sup>۴۷</sup>



## حجاب و عفاف

این مَحْرَم و نامَحْرَم‌ها، این حجاب و حفظ زن، این ﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ... وَ قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضِينَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ﴾، چشم‌هایتان را به هر منظره‌ای باز نکنید و به هر چیزی نگاه نکنید تا به هر طرفی کشانده نشوید. این برای چیست؟ این برای این است که این زن و شوهر، به هم مهربان و وفادار بمانند. آن مردی و آن زنی که در جوامع فاسد دنیا، به هر جا رسیدند، به هر گذرگاهی که رفتند، هرطور دلشان خواست، سوء استفاده کردند و اختلاط پیدا شد، دیگر برای آن‌ها محیط خانوادگی چقدر اهمیت پیدا خواهد کرد؟ هیچ. در اسلام، یک زن و مرد در مقابل هم مسئول هستند و به هم علاقه‌مندند، به هم محتاج و وابسته‌اند. یک سلسله عظیم و طولانی که از احکام ناشی می‌شود از چیست؟ از اینکه می‌خواهند خانواده، محکم بماند و این زن و شوهر به هم خیانت نکنند و با هم باشند.<sup>۴۸</sup>



پنجره ششم  
هشدارها و یادآوری‌ها



## اشاره

طراوت و شیرینی زندگی، محصول مهارت‌ها و رعایت‌های زن و شوهر است. علی علیه السلام فرمودند: «لکل شی آفة» (= هر چیزی در این عالم آفتی دارد).

برای نگاهداری و بهره‌مندی شایسته، از هر چیز خوب و با ارزشی، باید اول آفات آن را شناسایی کرد. آن‌گاه با درایت و هوشمندی به مقاوم‌سازی و ایجاد صیانت همت گماشت. این قاعده زندگی دنیاست. هرچه ارزش چیزی افزون‌تر باشد، آفات آن هم، بیشتر و خطرناک‌تر است.

زندگی مشترک که با میثاق مقدس ازدواج آغاز می‌شود، یکی از با ارزش‌ترین نعمت‌های الهی برای انسان‌هاست و از اتفاق، در معرض آفت‌های فراوان قرار دارد. راهنمای بیدار و خردمند ما در این باره هشدارهای مهمی دارند.

## حسادت و غیرت یکدیگر را تحریک نکنید!

من همیشه به مردهای جوان توصیه می‌کنم که شما، در معاشرت با نامحرم و حتی محارم، کاری نکنید و حرفی نزنید که زنان خود را وادار به حسادت کنید. به دختران جوان هم، سفارش می‌کنم که در برخوردشان با مردهای بیگانه، کاری نکنند و حرفی نزنند که حس حسادت و غیرت شوهرانشان را تحریک نمایند.<sup>۴۹</sup>

## تحقیر همسر؛ آغاز فروپاشی خانواده

ظلم و تبعیض و اهانت، در هر حالی غلط است. اگر شما عالی‌ترین مرد دنیا باشید و زن شما مثلاً از لحاظ سواد و معلومات و... یک خانم کم‌سوادی باشد یا از یک خانواده پایینی باشد، شما حق کمترین ظلم و اهانتی را به او ندارید.



زن هم، همین‌طور. گاهی زن، یک خانم باسواد تحصیل کرده است که مثلاً حالا با یک مرد کارگری ازدواج کرده است. او هم، حق ندارد مرد را تحقیر کند. مرد، باز هم برای او، نقطه اتکایی است. اگر خانواده را این‌طوری تشکیل دادید، بدانید که یک رکن اساسی سعادت خودتان را تأمین کرده‌اید.<sup>۵۰</sup>

### ایدئال خواهی افراطی

دخترها و پسرها به دنبال ایدئال نباشند. در امر ازدواج، هیچ‌کس، ایدئال نیست. انسان نمی‌تواند ایدئال خود را پیدا کند. باید بسازند و زندگی کنند. خداوند ان شاء الله زندگی را شیرین خواهد کرد و به آن‌ها برکت خواهد داد و ان شاء الله مورد رضای الهی قرار خواهند گرفت.<sup>۵۱</sup>

## حریم‌داری و عفاف؛ سپر خانواده

مسئلهٔ مَحْرَم و نامَحْرَم و حجاب و نگاه کردن و نگاه‌نکردن و معاشرت‌های ناسالم و مُضِر، این چیزهایی که در اسلام این‌قدر تأکید شده و در بعضی از کشورها و جاهایی که از اسلام دورند، این‌ها رعایت نمی‌شود، این‌ها اگرچه یک محدودیتی برای زن و مرد به‌وجود می‌آورد؛ اما این‌ها را شارعِ مقدس برای حفظ خانواده، برای ماندگارشدن این بنای مهم تحکیم و تشریح کرده است که اگر در همین چیزها هر انسانی تدبیر کند و تأمل بکند، حکمت‌های بسیار بزرگی را خواهد دید.<sup>۵۲</sup>

اینکه اسلام آن‌قدر گفته است که چشمتان را ببندید، به نامَحْرَم نگاه نکنید، به زن یک‌جور گفته و به مرد یک‌جور دیگر گفته، برای این است که وقتی چشم به یک طرفی رفت، آن وقت بخشی از سهم آن کسی که همسر شماست، آن طرف خواهد رفت. حالا چه شما مرد باشید و چه زن باشید فرقی نمی‌کند. یک قسمتی می‌رود آنجا. وقتی اینجا کم



گذاشتی، محبت، ضعیف خواهد شد. محبت که ضعیف شد، بنای خانوادگی متزلزل می‌شود. آن وقت آنچه که برای تو لازم است، از دستت می‌رود و آنی که برایت مضر است، به خیال خودت به دست آورده‌ای.<sup>۵۳</sup>

پنجره هفتم  
آسان گیری



## اشاره

از جمله اموری که در جامعه ما، در میان بسیاری از خانواده‌ها، به این آفت خطرناک (تکلف) مبتلا شده است، مسئله مهم و سرنوشت‌ساز ازدواج است. به بهانه انجام آداب و رسوم، آبروداری، حفظ حیثیت و ارزش نهادن بر دختر و پسر و... این شیرین‌ترین حادثه زندگی جوانان را به کابوسی وحشتناک تبدیل کرده‌ایم. نتایج تلخ این نگاه بیمار، تعداد زیادی از جوانان را از تشکیل زندگی ناامید کرده است و تعداد فراوان دیگری را با مشکلات فراوانی، در آغاز راه، روبه‌رو کرده است.

در این آفت بزرگ اجتماعی، همه مقصریم و البته از همه بیشتر، خانواده‌های متکلف باید در پیشگاه خداوند پاسخ‌گو باشند.

در تصحیح این انحراف خطرناک و درمان این درد جانکاه اجتماعی، به‌محضر «او» می‌شتابیم: «او» که حکیمانه درد را می‌شناسد. طبیبانه، نسخه شفابخش می‌دهد و مُصلحانه می‌سوزد و همگان را به بازگشت به سیره پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام فرا می‌خواند:



## ۱. مراسم (تشریفات)

### تشریفات ساده ازدواج اسلامی

شما اگر نگاه کنید به تشریفات ازدواج در میان اقوام مختلف، خواهید دید در اسلام تشریفات ازدواج ساده است. البته جشن و سرور و این‌ها عیبی ندارد، هر کس هر مقداری که مایل است؛ اما این‌ها جزو دین و جزو تشریفات رسمی و دینی ازدواج نیست. هر کس خواست، می‌تواند انجام بدهد، هر کس نخواست، نه. اینکه حتماً بایستی بروند در یک معبد و زانو بزنند جلوی کسی و چه بکنند و مراسمی که در جاهای دیگر وجود دارد، در اسلام نیست. در اسلام، یک صیغه‌ای است شرعی که باید خوانده شود. البته در اسلام برای معاملات گوناگون، معاملاتی که اهمیتش کمتر از ازدواج است، شاهد می‌گیرند... حالا هم که مقررات ثبت است و درج در محاکم. مراکز ثبت رسمی است و هیچ تشریفات ندارد، می‌توانند خیلی راحت و بدون تشریفات، این ازدواج را انجام دهند.<sup>۵۴</sup>

## آسان بگیرید، خداوند کفایت می‌کند

جوان‌ها وقتی صحبت می‌شود، می‌گویند اگر ازدواج کنیم، بعدش چه کار کنیم، برای خانه، برای شغل؟ این‌ها همان قیودی است که همیشه جلوی کارهای اصلی و اساسی را می‌گیرد. فرمود: **﴿إِنْ يَكُونُوا قُرَّاءَ يُغْنِيهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ﴾** یعنی خدای متعال این‌ها را کفایت خواهد کرد. ازدواج نکنید. ازدواج در وضع معیشت آن‌ها دشواری خاصی به وجود نمی‌آورد؛ بلکه به عکس، خداوند آن‌ها را از فضلش غنی هم می‌کند. این‌را خدای متعال فرموده است. بله، ما برای خودمان به قول معروف به جای خرج، برج درست می‌کنیم. اضافه‌های زندگی و نیازهای کاذب به وجود می‌آوریم. بله، البته مشکل پیش می‌آید. تقصیر کیست؟ در درجه اول تقصیر متمکن است. آن کسانی که امکانات دارند، سطوح را بالا می‌برند، سطوح خواهش‌ها و توقعات و نیازهای کاذب را بالا می‌برند. بعد هم، تقصیر بعضی از مسئولین است که بالاخره، باید بگویند. باید وسایل را فراهم کنند، فراهم نمی‌کنند. نمی‌خواهیم بگوییم که دولت‌ها برای

جوان‌ها و برای ازدواجشان وظایفی ندارند؛ اما این باید برای جامعه اسلامی جا بیفتد که ازدواج یک ضرورت است، باید انجام بگیرد. باید تحقیق پیدا کند. اینکه دخترها بگویند ما هنوز آماده ازدواج نشده‌ایم، پسرها بگویند ما هنوز عقل زندگی نداریم، حرف‌های منطقی آن‌چنانی نیست. در خیلی از مسائل زندگی، ما می‌بینیم که نه، جوان‌ها آمادگی هم دارند، خیلی هم خوب‌اند. می‌فهمند. منتهی این ازدواج یک مسئولیت‌پذیری هم هست. این حس گریز از مسئولیت، مقداری مانع می‌شود از اینکه این کار انجام شود.<sup>۵۵</sup>

### این هتل‌ها و سالن‌های پُرخرج، عروسی را شیرین نمی‌کند

این هتل‌ها و سالن‌ها و جشن‌های پُرخرج را رها کنید. البته ممکن است توی یک سالنی هم، کسی جشن بگذارد؛ اما ساده، مانعی ندارد. من نمی‌خواهم بگویم حتماً، چون بعضی خانه‌هایشان جا ندارد یا امکاناتش را ندارند؛ ولی اسراف نکنید. شادی و میهمانی و



دعوت کردن از دوستان و نزدیکان و خویشاوندان و رفقا خوب است؛ اما اسراف بد است. شأن ملت مسلمان ما نیست.<sup>۵۶</sup>

عروسی و عقد و شادی چیز خوبی است. حتی پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ هم برای دختر مکرمة خودشان مجلس عروسی گرفتند، شادی کردند و مردم شعر خواندند. زن‌ها دست زدند و خوشی کردند؛ اما نباید در این مجلس عقد و عروسی و این‌ها اسراف انجام بگیرد. یکی از اسراف‌ها، همین مجالس عقد و عروسی گران‌قیمت است. در هتل‌ها، در این سالن‌های گران‌قیمت، مجالس درست می‌کنند. مبالغ زیادی شیرینی و میوه و خوراکی حرام می‌شود، از بین می‌رود، روی زمین ریخته می‌شود و ضایع می‌گردد. برای چه؟ برای چشم‌وهم‌چشمی؟! برای عقب‌نماندن از قافله اسراف؟!<sup>۵۷</sup>

## اهل تجمل حسابشان خیلی سخت است

مگر کسانی که با تجمل عروس و داماد می‌شوند از کسانی که ساده عروس و داماد می‌شوند خوش‌بخت‌ترند؟ چه کسی می‌تواند چنین چیزی را ادعا کند؟ این کارها جز اینکه یک عده جوان را، یک عده دختر را حسرت به دل کند و زندگی را بر این‌ها تلخ نماید، اگر نتوانستند، آن‌جور، آن‌ها هم عروسی بگیرند تا ابد حسرت به دل بمانند یا اصلاً نتوانند عروسی بگیرند. چیز دیگری نیست... تا آمدند دخترش را بگیرند، چون دستش خالی است، این دختر بماند توی خانه. این پسر دانشجو یا کارگر یا کاسب ضعیف، همین‌طور غیرمتأهل بماند.<sup>۵۸</sup>

من گمان می‌کنم، آن کسانی که با مجالس و محافل سنگین، با مهریه‌ها و جهیزیه‌های سنگین، کار را بر دیگران مشکل می‌کنند، حسابشان پیش خدا خیلی سخت است.<sup>۵۹</sup>

## لباس عروس کرایه‌ای

بعضی‌ها لباس عروس گران‌قیمت می‌خرند. نه! چه لزومی دارد؟ حالا لباس عروس می‌خواهند، بعضی‌ها لباس عروس را می‌روند کرایه می‌کنند. چه مانعی دارد؟ ننگ دارد؟ نه! چه ننگی؟ چه مانعی دارد؟ بعضی‌ها این‌را ننگ می‌دانند. ننگ این است که انسان یک پول گزافی بدهد، یک چیزی بخرد که یک بار آن‌را مصرف کند، بعد بیندازد دور. یک بار مصرف! آن‌هم با این وضعی که بعضی مردم دارند، بعضی‌ها واقعاً نیاز دارند.<sup>۶۰</sup>

## ۲. مهریه، نشان ارادت یا قیمت‌گذاری؟

### پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سنت مهریه جاهلی را شکست

پیامبر صلی الله علیه و آله آمد همه این‌ها را شکست، برای اینکه مانع ازدواج می‌شود. این‌ها مانع از ازدواج دخترها و پسرها می‌شود. گفت این چیزها را رها کنید. ازدواج شروعش آسان است.

از لحاظ شرایط مادی، سهل‌ترین است. آنچه که در ازدواج مهم است رعایت‌های بشری و انسانی است.<sup>۶۱</sup>

مهریه سنگین مالِ دوران جاهلیت است. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ آن را منسوخ کرد. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ از یک خانوادهٔ اعیانی است. خانوادهٔ پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، تقریباً اعیانی‌ترین خانوادهٔ قریش بودند. خود ایشان هم که رئیس و رهبر این جامعه است. چه اشکالی داشت، دختر به آن خوبی که بهترین دختران عالم است و خدای متعال او را «سیده النساء العالمین» قرار داد «مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ»، با بهترین پسرهای عالم که مولای متقیان است، می‌خواهند ازدواج کنند، مهریه ایشان زیاد باشد؟ چرا ایشان آمدند و این مهریه کم را قرار دادند که اسمش «مَهْرُ السُّنَّة» است.<sup>۶۲</sup>

من گمان می‌کنم، اینکه در جهیزیه حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام این قدر سادگی رعایت شد و در مهریهٔ ایشان و همهٔ اهل بیت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به آن مهر کم، «مَهْرُ السُّنَّة» مقید بودند، درحالی که همه قبول داشتند که بیش از «مَهْرُ السُّنَّة» هم جایز است؛ اما این حد را حفظ کردند. این



یک جنبهٔ نمادین داشت. برای اینکه بین مردم مبنا و پایه‌ای باشد برای عمل به آن، تا دچار این مشکلاتی که بر اثر زیاده‌روی‌ها پیش می‌آید، نشوند.<sup>۶۳</sup>

### چرا اصرار بر چهارده سکه

اینکه می‌بینید ما گفتیم چهارده سکه بیشتر را عقد نمی‌کنیم، نه برای این است که چهارده سکه بیشتر، اشکالی در ازدواج ایجاد می‌کند. خیر. چهارده‌هزار سکه هم باشد، ازدواج اشکالی ندارد. فرقی ندارد. این برای این است که آن جنبهٔ معنوی ازدواج، غلبه پیدا کند بر جنبهٔ مادی. مثل یک تجارت و معامله نباشد. دادوستد مادی نباشد. اگر تشریفات را کم کردید، جنبهٔ معنوی تقویت خواهد شد.<sup>۶۴</sup>



## مهریه زیاد، بی‌احترامی به دختر است

کسانی که مهریه‌های دخترشان را برای احترام به دخترشان بالا می‌برند، اشتباه می‌کنند. این احترام نیست. این بی‌احترامی است. برای اینکه با بالا بردن مهریه، شما جنس این معامله انسانی را، یعنی یکی از دو جنس معامله انسانی را، چون هر دو در مقابل هم هستند، تنزل می‌دهید، به حدّ یک کالا و یک متاع. می‌گویید دختر من آن قدر می‌ارزد. نه آقا! دختر شما اصلاً با پول قابل مقایسه نیست...<sup>۶۵</sup>

## مهریه زیاد، سدّ راه ازدواج جوانان

کسانی که مهریه بالا برای خانمشان قرار می‌دهند، به جامعه ضرر می‌زنند. خیلی از دخترها توی خانه می‌مانند، خیلی از پسرها بی‌زن می‌مانند، به خاطر اینکه این چیزها وقتی در جامعه رسم شد، سنت و عادت شد، به جای مَهْرُالسَّنه به جای مهر پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ سنت



باشد، وقتی مهرِ جاهلی سنت شد، اوضاع، اوضاع جاهلی خواهد شد.<sup>۶۶</sup>  
اگر مهریه‌ها سنگین شد، ازدواج‌ها مشکل خواهد شد، پسرها و دخترها بی‌خانمان خواهند ماند. هرچه آسان‌تر بگیرید بهتر است.<sup>۶۷</sup>

### ۳. جهیزیه؛ توشه زندگی یا بهانه فخرفروشی؟ عزت دختر به اخلاق است نه جهیزیه

جهیزیه برای دختر مایه عزت نیست. عزت دختر به اخلاق او و به رفتار و شخصیت خود اوست. بعضی از خانواده‌های عروس، خودشان را اذیت می‌کنند و به زحمت می‌اندازند و اگر پول هم ندارند به زحمت پول تهیه می‌کنند. اگر پول دارند خرج زیادی می‌کنند، برای اینکه یک جهیزیه مفصل پُرزرق و برقی را مثلاً در اختیار دخترشان بگذارند.<sup>۶۸</sup>  
مهریه و جهیزیه زیاد، هیچ دختری را خوشبخت نمی‌کند و هیچ خانواده‌ای را به آن

آرامش و سکون و اعتماد لازم نمی‌رساند. این‌ها زوایای زندگی است. فضولِ زندگی است و جز دردسر و اسبابِ زحمت و اسبابِ مشکل فایده‌ای ندارد.<sup>۶۹</sup>

### چشم‌وهم‌چشمی و معضل جهیزیه

خانواده‌ها روی چشم‌وهم‌چشمی، جهیزیه را برای خودشان یک معضل می‌کنند. بعد که این معضل را خودشان به یک نحوی تحمّل کردند، تازه نوبت دیگران است که رنج این معضل را ببرند. برای خاطر اینکه وقتی شما در جهیزیه دخترتان این همه وسایل درست کردید، بعد کسانی که دیدند، تکلیف آن‌ها چیست؟ این چشم‌وهم‌چشمی‌ها آخر به کجا خواهد رسید؟ این همان مشکلاتی است که درست خواهد شد. اسلام می‌خواهد این‌ها نباشد.<sup>۷۰</sup>



## به فکر دیگران هم باشید

از بعضی‌ها وقتی می‌پرسیم که شما چرا برای دو نفری که می‌خواهند زندگی بکنند، بازار را می‌خواهید خالی کنید که جهیزیه برای دخترتان درست کنید؟ می‌گویند: خب ما داریم. چون داریم، می‌خواهیم بکنیم. آیا این استدلال، کافی است؟ چون داریم! نه. این استدلال به هیچ‌وجه کافی نیست. استدلال غلطی است. در یک جامعه همه‌جور انسان زندگی می‌کند. شما باید کاری کنید که آن دختری هم که ندارد، اگر خواست شوهر بکند بتواند و الا، این جهیزیه‌ای که شما دارید برای دخترتان درست می‌کنید، این مهریه‌ای که شما دارید به عروستان می‌دهید، این دیگر در ازدواج را برای دیگران خواهد بست... این روش، انسانی نیست. این روش، اسلامی نیست.<sup>۷۱</sup>

## جهیزیة بهترین عروس عالم

شما نگاه کنید به دختر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله بهترین دخترهای عالم، فاطمه زهرا علیها السلام بود. بهترین زن‌های اولین و آخرین، فاطمه زهرا علیها السلام بود. هرگز دختری و زنی به آن خوبی، به آن شرافت و به آن عظمت نیامده است. همه زن‌های عالم از اول تا آخر در مقابل او، مثل خدمت‌کارهایی هستند. مثل ذراتی هستند در مقابل خورشید جهان افروز. شوهرش هم، امیرالمؤمنین علیه السلام، بهترین مردان عالم. اگر چنانچه همه فضايل و مکارمشان را جمع کنیم، همه مردان عالم به یک ناخن او هم نمی‌رسند. این دو مظهر عظمت و مظهر زیبایی و فضیلت، با همدیگر ازدواج کردند. جهیزیه‌شان همان چند قلم ارزان‌قیمتی بود که در کتاب‌ها نوشته‌اند و ضبط کرده‌اند: یک تکه حصیر، یک تکه لیف خرما، یک دست رختخواب و یک دستاس، یک کوزه، یک کاسه. همه‌اش را اگر چنانچه به پول امروز، روی همدیگر بگذارند، معلوم نیست که چند هزار تومان مختصری بیشتر بشود. همان مهریه را از

امیرالمؤمنین علیه السلام گرفتند و پولش را دادند جهیزیه مختصری را فراهم کردند و بردند خانه شوهر. حالا ما نمی‌گوییم، دخترهای ما مثل فاطمه زهرا علیها السلام جهیزیه بگیرند. ما کجا و آن‌ها کجا؟! زمین تا آسمان با هم فرق داریم؛ اما معلوم می‌شود راه، آن راه است. جهت، آن جهت است. جهیزیه را مختصر بگیرید. به این و آن نگاه نکنید، خرج زیادی نکنید. کار را برای کسانی که ندارند، مشکل نکنید.<sup>۷۲</sup>

جهیزیه فاطمه زهرا علیها السلام به قدری بود که شاید دو نفر آدم با دست می‌توانستند از این خانه بردارند ببرند آن خانه. ببینید افتخار این‌هاست. ارزش این‌هاست. آیا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نمی‌توانستند یک جهیزیه مفصل تشکیل دهند؟ اگر پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره‌ای می‌کردند، این مسلمانانی که در اطراف ایشان بودند، بعضی‌هایشان هم آدم‌های متمکنی بودند، پول هم داشتند، از خدا می‌خواستند که بیایند یک هدیه‌ای بدهند، کمکی بکنند. نکردند. چرا نکردند؟ این برای این است که من و شما یاد بگیریم. و الا بنشینیم و تعریف کنیم و

خوشمان بیاید و بعد هم یاد نگیریم، چه فایده‌ای دارد؟ استفاده‌اش را نمی‌بریم. نسخه‌  
 طبیب را که انسان نباید بگذارد روی طاقچه، تماشا کند. باید عمل کنیم تا بهره‌اش را ببریم.  
 رژیم غذایی را باید عمل کنید تا فایده‌اش را ببرید. این‌ها رژیم غذایی روح است. رژیم غذایی  
 صحت جامعه است. صحت خانواده است. باید عمل شود. ساده برگزار کنید.<sup>۷۳</sup>

### عروس خانم‌ها، شما نگذارید

نگذارید جهیزیه‌ها را سنگین کنند. دخترها نگذارند. عروس‌ها، شما نگذارید. پدر و  
 مادرها هم اگر می‌خواهند، شما نگذارید. این همه جنس گران را می‌خواهید چه کنید؟<sup>۷۴</sup>  
 مادرهای عروس‌ها در تهیه جهیزیه دست ننگ دارند، خیلی افراط و اسراف نکنند. نگویند  
 حالا مثلاً دخترمان است، دلش می‌شکند. نه. دخترها خوب اند. دخترها نمی‌خواهند. ما  
 بی‌خود نباید دل آن‌ها را بکشانیم به این سمت که هر چیز قشنگ و لوکس و... حتماً باید



برایش تهیه شود.<sup>۷۵</sup>

این دختر خانم‌ها که می‌خواهند جهیزیه درست کنند، برای خرید اسباب سر عقد و جهیزیه، توی این دکان‌های گران‌قیمت بعضی از جاهای تهران، آن محلات گران‌قیمت که معروف است، نمی‌خواهم البته اسم بیاورم، من می‌شناسم کجاهاست که دکان‌هایش معروف است به جنس گران. اصلاً طرف آن‌ها پا نگذارند. بروند آن جاهایی که معروف به گرانی نیست. این‌طور نباشد که داماد بیچاره را دنبالشان راه بیندازند برای خرید عروس و خرید عقد. متأسفانه از این کارها می‌کنند.<sup>۷۶</sup>





۱۷. خطبه عقد مورخ ۱۳۷۶/۷/۳۰
۱۸. خطبه عقد مورخ ۱۳۷۵/۲/۱۰
۱۹. خطبه عقد مورخ ۱۳۷۱/۹/۲۴
۲۰. خطبه عقد مورخ ۱۳۷۶/۹/۲۴
۲۱. خطبه عقد مورخ ۱۳۷۴/۵/۱۸
۲۲. خطبه عقد مورخ ۱۳۷۷/۸/۱۱
۲۳. خطبه عقد مورخ ۱۳۷۸/۱۲/۲۲
۲۴. خطبه عقد مورخ ۱۳۷۸/۱/۱۵
۲۵. خطبه عقد مورخ ۱۳۷۸/۱/۱۵
۲۶. خطبه عقد مورخ ۱۳۷۵/۸/۵
۲۷. خطبه عقد مورخ ۱۳۷۲/۱۱/۱۲
۲۸. خطبه عقد مورخ ۱۳۸۱/۳/۸
۲۹. خطبه عقد مورخ ۱۳۷۶/۱۲/۱۸
۳۰. خطبه عقد مورخ ۱۳۸۱/۳/۸
۳۱. خطبه عقد مورخ ۱۳۷۱/۹/۱۹
۳۲. خطبه عقد مورخ ۱۳۷۶/۶/۱۸
۳۳. خطبه عقد مورخ ۱۳۷۸/۱/۲۴

## پاورقی

۱. خطبه عقد مورخ ۱۳۷۵/۲/۱۰
۲. خطبه عقد مورخ ۱۳۷۵/۲/۱۰
۳. خطبه عقد مورخ ۱۳۷۹/۸/۲۱
۴. خطبه عقد مورخ ۱۳۷۹/۶/۴
۵. خطبه عقد مورخ ۱۳۷۲/۱۲/۲۲
۶. خطبه عقد مورخ ۱۳۷۸/۱۲/۲۲
۷. خطبه عقد مورخ ۱۳۷۷/۸/۱۱
۸. خطبه عقد مورخ ۱۳۷۴/۱۰/۱۷
۹. خطبه عقد مورخ ۱۳۷۵/۹/۴
۱۰. خطبه عقد مورخ ۱۳۷۶/۷/۳۰
۱۱. خطبه عقد مورخ ۱۳۷۷/۱/۱۹
۱۲. خطبه عقد مورخ ۱۳۷۹/۷/۱۹
۱۳. خطبه عقد مورخ ۱۳۸۰/۱/۲
۱۴. خطبه عقد مورخ ۱۳۷۱/۹/۱۹
۱۵. خطبه عقد مورخ ۱۳۷۴/۹/۲۸
۱۶. خطبه عقد مورخ ۱۳۷۷/۱/۱۹



۳۴. خطبه عقد مورخ ۱۳۷۰/۴/۲۰
۳۵. خطبه عقد مورخ ۱۳۷۶/۴/۳۱
۳۶. خطبه عقد مورخ ۱۳۷۹/۱/۱۶
۳۷. خطبه عقد مورخ ۱۳۷۸/۴/۹
۳۸. خطبه عقد مورخ ۱۳۷۴/۵/۱۱
۳۹. خطبه عقد مورخ ۱۳۷۹/۱/۱۶
۴۰. خطبه عقد مورخ ۱۳۷۸/۱/۲۴
۴۱. خطبه عقد مورخ ۱۳۷۴/۵/۱۱
۴۲. خطبه عقد مورخ ۱۳۷۷/۴/۱۸
۴۳. خطبه عقد مورخ ۱۳۷۷/۷/۲۰
۴۴. خطبه عقد مورخ ۱۳۷۷/۹/۱۲
۴۵. خطبه عقد مورخ ۱۳۷۶/۱/۱
۴۶. خطبه عقد مورخ ۱۳۷۴/۹/۱۴
۴۷. خطبه عقد مورخ ۱۳۷۲/۱۱/۱۸
۴۸. خطبه عقد مورخ ۱۳۷۷/۹/۱۲
۴۹. خطبه عقد مورخ ۱۳۷۹/۹/۱۰
۵۰. خطبه عقد مورخ ۱۳۷۹/۱۲/۲۲
۵۱. خطبه عقد مورخ ۱۳۷۹/۹/۱۰
۵۲. خطبه عقد مورخ ۱۳۷۷/۱۲/۱۱
۵۳. خطبه عقد مورخ ۱۳۷۵/۲/۱۷
۵۴. خطبه عقد مورخ ۱۳۷۹/۶/۲۸
۵۵. خطبه عقد مورخ ۱۳۷۹/۶/۲۸
۵۶. خطبه عقد مورخ ۱۳۷۳/۱۰/۲۷
۵۷. خطبه عقد مورخ ۱۳۷۲/۱/۵
۵۸. خطبه عقد مورخ ۱۳۷۳/۹/۲۳
۵۹. خطبه عقد مورخ ۱۳۷۴/۵/۴
۶۰. خطبه عقد مورخ ۱۳۷۴/۱۰/۴
۶۱. خطبه عقد مورخ ۱۳۷۲/۱۰/۶
۶۲. خطبه عقد مورخ ۱۳۷۴/۲/۲۸
۶۳. خطبه عقد مورخ ۱۳۷۷/۴/۱۸
۶۴. خطبه عقد مورخ ۱۳۷۲/۱۰/۲۶
۶۵. خطبه عقد مورخ ۱۳۷۷/۸/۱۱
۶۶. خطبه عقد مورخ ۱۳۷۷/۸/۱۱
۶۷. خطبه عقد مورخ ۱۳۷۲/۱۲/۲۲



- ۶۸. خطبه عقد مورخ ۱۳۷۷/۱۲/۲۸
- ۶۹. خطبه عقد مورخ ۱۳۷۵/۹/۱۸
- ۷۰. خطبه عقد مورخ ۱۳۷۳/۳/۱۶
- ۷۱. خطبه عقد مورخ ۱۳۷۵/۸/۵
- ۷۲. خطبه عقد مورخ ۱۳۷۲/۱/۵
- ۷۳. خطبه عقد مورخ ۱۳۷۵/۹/۵
- ۷۴. خطبه عقد مورخ ۱۳۷۳/۹/۲۳
- ۷۵. خطبه عقد مورخ ۱۳۷۹/۱۱/۱۶
- ۷۶. خطبه عقد مورخ ۱۳۷۲/۳/۱۹

## نسخه دیجیتال رهنا

مرکز پخش: مشهد مقدس، نیش ورودی باب الجواد علیه السلام

فروشگاه عرضه محصولات رضوی

تلفن: ۰۵۱۱-۲۲۸۵۲۰۴



This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.  
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.